

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۶۹

شنبه ۸ فروردین ۱۴۰۵ و ۲۸ مارچ ۲۰۲۶

آینده جنگ، موقعیت مردم و جنبش زن زندگی آزادی

حسن صالحی

جنگ میان آمریکا و اسرائیل از یک سو، و جمهوری اسلامی از سوی دیگر در هفته چهارم همچنان جریان دارد. پس از آنکه دو طرف تهدید کردند که زیرساخت‌های برق و آب را در هر دو سوی این جنگ نابود خواهند کرد، اکنون باب مذاکره داغ شده است. تهدیدات فوق در صورت اجرا میتواند به فجایع انسانی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی هولناکی منجر شود و حتی نفس این تهدیدات نیز جنایتکارانه و خطرناک است. طبعاً ما نمی‌دانیم دقیقاً پشت پرده چه می‌گذرد و طرفین تاکنون در این مورد نیز ادعاهای ضدونقیضی مطرح کرده اند. برای نیروهای سلطنت طلب که استراتژی خود را بر جنگ دولت‌های آمریکا و اسرائیل برای سرنگونی جمهوری اسلامی استوار کرده بودند و پیوسته از اسرائیل و آمریکا التماس حمله می‌کردند، اخبار مربوط به مذاکرات و به رسمیت شناختن جناح‌هایی از حکومت اسلامی از سوی ترامپ طبعاً بسیار ناامیدکننده است و باید انتظار داشت که بحران، صفوف این جریان را فراگیرد و سیر افول آنها سرعت بیشتری بگیرد. سؤالی که اکنون مطرح است این است که اوضاع پس از پایان احتمالی جنگ چه خواهد شد؟

حزب کمونیست کارگری ایران از همان آغاز، حملات به مراکز نظامی جمهوری اسلامی و حذف سران و فرماندهان نظامی رژیم در این جنگ را محکوم نکرد، اما در مواردی که به مناطق مسکونی، مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز کاری و زیرساخت‌های تأمین انرژی و آب آسیب زده شد، آنرا از هر دو سوی این جنگ قویاً محکوم کرده است. آنچه که محور سیاست ما تحت هر شرایطی بوده است، سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان مسبب جنگ‌افروزی، سیاه‌بختی مردم ایران و عامل کشتار ده‌ها هزار شهروند معترض و مخالف است. ما بارها اعلام کرده‌ایم که ناجی مردم ایران تنها و تنها خود مردم ایران هستند و تنها کمکی که از جامعه جهانی طلب کرده‌ایم این بوده است که از این رژیم حمایت نکنند و جنایتکاران حاکم در ایران را مورد بایکوت جهانی قرار دهند.

در صورت پایان این جنگ، بدون آنکه جمهوری اسلامی سرنگون یا تسلیم شود، آن‌گاه دیگر نه بمب‌ها و نه موشک‌ها، بلکه مردم عاملیت بیشتری خواهند یافت. مردم در مقابل رژیمی قرار خواهند گرفت که به شدت، به دلیل حذف خامنه‌ای

ادامه در صفحه ۲

آینده جنگ، موقعیت مردم و جنبش زن

زندگی آزادی

حسن صالحی

صفحه ۱

حکومت منفور و دستگیریهای گسترده

کاظم نیک خواه

صفحه ۳

از ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ تا خیزش «زن، زندگی، آزادی»:

نسان نودینیان

صفحه ۴

جنگ و فرصت های تاریخی

سینا پدرام

صفحه ۵

تداوم کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"

علیرغم شرایط جنگی

صفحه ۶

قطع اینترنت، ابزار سرکوب رژیم

تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی

از مدیای حزب و سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۷

در محکومیت سربازگیری از کودکان و نوجوانان

سازمان جوانان کمونیست

توفیق پیرخضری، چهره محبوب سوسیالیست

کمیته کردستان حزب

صفحه ۸

کمک های مالی به حزب لیست ششم

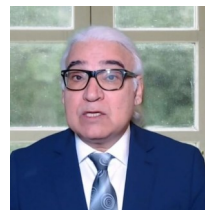
صفحه ۹

آزادی «و ایجاد انجمن‌هایی تحت همین نام، گام‌های بزرگی برای دستیابی به پیروزی قطعی علیه جمهوری اسلامی برداریم. حزب کمونیست کارگری ایران با انتشار منشور زن، زندگی، آزادی برای دوره گذار و حکومت آتی (به تاریخ ۱۳ اسفند ۱۴۰۴)، تمام تلاش خود را برای ایجاد هماهنگی لازم میان تشکلهای شبکه‌های مبارزاتی، احزاب و کنشگران فعال در این جنبش به کار می‌گیرد. هدف از این تلاش‌ها، کسب آمادگی برای ایفای نقش به‌عنوان یک نیروی اجتماعی تعیین‌کننده در روند سرنوشتی حکومت، در دوره گذار و نیز در تعیین نظام آتی است.

در این مسیر، تعیین بخشی سازمانی به جنبش «زن، زندگی، آزادی» در همه سطوح اهمیت زیادی دارد. از همین رو، ایجاد انجمن‌های «زن، زندگی، آزادی» در همه‌جا، از جمله در محل کار و محلات، می‌تواند گامی مهم باشد. این انجمن‌ها می‌توانند با همکاری و مشارکت افرادی که یکدیگر را می‌شناسند و به هم اعتماد دارند شکل بگیرند و حتی، همانند گروه‌های جوانان محلات، اعلام موجودیت کنند. این انجمن‌ها می‌توانند وظایف چندگانه‌ای داشته باشند: از سازمان‌دهی اعتراض و مبارزه گرفته تا فعالیت‌های یاری‌رسانی به یکدیگر در شرایط سخت، که نیازمند همبستگی هستیم. همچنین می‌توانند در برگزاری شعاردهی‌های

ادامه از صفحه ۱

آینده جنگ، موقعیت مردم و جنبش زن زندگی آزادی



حسن صالحی

و دیگر رهبران این رژیم جنایتکار، دچار آشفتگی شده است. رژیم، علی‌رغم کشتار وحشیانه مردم در دی‌ماه، نتوانست آنان را به سکوت بکشاند. اعتراضات مردم در قالب دادخواهی و گرامیداشت یاد عزیزان جان‌باخته ادامه یافت و سپس در اعتراضات دانشجویان و شعارگویی‌های شبانه تداوم پیدا کرد. حتی در جریان جنگ نیز شاهد مواردی از ایستادگی مردم در قبال تحمیل‌های جنگی رژیم بوده‌ایم.

با پایان جنگ، در حالی که مشکلات دیرینه مردم همچنان پابرجاست و حتی تشدید شده است و مصائب ناشی از این جنگ نیز بر آن افزوده شده است، جامعه در برابر حکومتی قرار خواهد گرفت که پاسخی برای دردهای بی‌شمار مردم ندارد و بیش از پیش ناتوانی خود را در برابر حق‌خواهی آنان آشکار خواهد کرد.

با شکست افق راست، که متأسفانه برای مدتی اعتراضات مردمی را به کجراه برد و بر آن‌ها ضربه زد، زمینه برای رشد و فراگیر شدن یک افق انسانی و انقلابی، با محوریت تکیه بر اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی، بار دیگر فراهم خواهد شد.

سرمایه ما در این مسیر، انقلاب «زن، زندگی، آزادی»، دستاوردها، تجربیات

متحدکننده و منشورهای این خیزش انقلابی است. بخش‌هایی از شبکه‌هایی که تحت عنوان این جنبش فعالیت می‌کردند، اکنون خوشبختانه زیر یک چتر سازمانی به نام «شورای هماهنگی و رهبری» و در قالب آلترناتیوی برای آینده ایران گرد هم آمده‌اند. امید آن است که این روند گسترش یابد و بتواند نقش مهمی در نمایندگی این جنبش ایفا کند.

به لحاظ اشکال مبارزه علیه جمهوری اسلامی، تجربه به ما نشان داده است که اعتراضات خیابانی به‌خودی‌خود نمی‌تواند به سرنوشتی جمهوری اسلامی بیانجامد.

یکی از عوامل موفقیت مردم برای رسیدن به پیروزی این است که در کنار همه اشکال مبارزه، کارگران و مردم به سلاحی متوسل شوند که جمهوری اسلامی را در مقابله با آن‌ها با دشواری‌های جدی روبه‌رو سازد. این سلاح، توقف و تعطیلی چرخ‌های کار و تولید است.

لازم است راهکارهایی به‌دور از هیجان‌های زودگذر و با چشم‌انداز پیروزی در دستور کار قرار گیرد. به‌کارگیری اعتصاب و خواباندن چرخ‌های کار و تولید در جامعه، یکی از مهم‌ترین این راهکارهاست.

می‌توان و باید امیدوار بود که با برافراشتن دوباره پرچم «زن، زندگی،



شبانه، شعارنویسی، بر در و دیوار شهر و زمینه‌سازی برای اعتراضات خیابانی و اعتصاب عمومی نقش ایفا کنند.

جنبش «زن، زندگی، آزادی» «با شعارهای انسانی خود، دفاع از ارزش‌های مترقی و مدرن، و با شکل‌دهی به ده‌ها شبکه، تشکل و نهاد از پایین برای اعمال قدرت مردمی، از ظرفیت بسیار مساعدی برای پیروی و مقابله با جریان‌های ارتجاعی سلطنت طلب و امثالهم برخوردار است.

جریاناتی که با توسل به لمپنیسم، فحاشی، تهدید و ارعاب مخالفان خود، و دفاع از ارزش‌های زن‌ستیز و فاشیستی، نشان داده‌اند که به‌عنوان عاملی بازدارنده در برابر انقلاب مردم ایران عمل کرده‌اند.

در شرایط کنونی، تقویت و گسترش جنبش «زن، زندگی، آزادی» «و گرد آمدن حول این جنبش، یکی از مهم‌ترین وظایفی است که باید در دستور کار همه دوستداران انقلاب و تلاشگران آزادی و نجات جامعه ایران قرار گیرد.

۶ فروردین ۱۴۰۵

۲۶ مارس ۲۰۲۶

پیکر حکومت اسلامی وارد کرد. جمهوری اسلامی نه فقط بالاترین فرماندهان و سرداران و دست اندرکارانش را از دست داد، بلکه حتی نتوانست رهبر و ولی فقیه‌اش را از نابودی نجات دهد.

اکنون جمهوری اسلامی در موقعیتی بسیار تضعیف شده و شکست خورده و ضربه خورده، خود را در برابر مردم متحد، بسیار ناتوان‌تر از قبل می‌بیند. این حکومت تصور می‌کرد با قتل عام بی سابقه و فجیع دی‌ماه مردم عقب می‌نشینند و ساکت می‌شوند. اما جامعه خشمگین‌تر و جسورانه‌تر به میدان آمد. اعتراضات و تظاهرات دانشجویان در ده‌ها دانشگاه، مراسم‌های پرشکوه و بسیار ویژه گرامیداشت جانباختگان در سراسر کشور، و کل فضای خشمگین و متعرض اجتماعی، به این حکومت نشان داد که مردم سر باز ایستادن ندارند. مردم در این کشور با از خودگذشتگی تمام ایستاده‌اند و تشدید دستگیری‌ها و کشتارها آن‌ها را برای سرنگونی مصمم‌تر کرده است.

در این فضا است که جمهوری اسلامی در میانه جنگ با اسرائیل و آمریکا، وحشت خود از مردم را بیشتر احساس می‌کند و دستگیری‌های وسیعی را این بار با بیرق جاسوسی برای اسرائیل و آمریکا به جریان انداخته است. اتهاماتی که برای دستگیرشدگان اخیر بیشتر استفاده شده عبارتند از همکاری و جاسوسی برای اسرائیل و آمریکا، تصویب‌برداری از مراکز حساس کشور و ارسال آن‌ها به اسرائیل و آمریکا، ارتباط با رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور، نگهداری تجهیزات و گیرنده‌های اینترنت ماهواره‌ای استارلینک و در مواردی تلاش برای راه اندازی تجمعات ضدحکومتی و درگیری مسلحانه با ماموران جمهوری اسلامی، اقدام به تشویش اذهان عمومی، ایجاد اضطراب و ناامنی در جامعه، اختلال در امنیت در فضای مجازی.

جالب این است که جمهوری اسلامی با این دستگیری‌ها و این اتهامات در واقع اعتراف می‌کند که مردم در این کشور از شکست و ضربه خوردن حکومت اسلامی در جنگ خوشحالند.

حکومت اسلامی اگر از این جنگ جان سالم بدر ببرد، با وضعیت اسفناکی روبرو خواهد بود که دوام و بقای آن را عمیقاً زیر سوال می‌برد. سران رده بالایش را از دست داده، اقتصادش فلج و از هم گسیخته است، مردم متحدتر از همیشه علیه آن صف کشیده‌اند، صفوفش از هم پاشیده و متشتت است و دولتهای منطقه نیز همه علیه آن صف کشیده‌اند.

در این وضعیت ما مردم با هوشیاری و پافشاری بر ارزش‌های پیشرو انقلاب زن زندگی آزادی، می‌توانیم ضربه نهایی را بر پیکر منحوس این حکومت وارد کنیم و خود را از شر کل این حکومت و سنت‌ها و سیاست‌هایش خلاص کنیم.

جامعه ایران طی چهل سال مقابله با قهقرای اسلامی حاکم، به ارزش‌های بسیار پیشرو و مدرنی روی آورده است که نویدبخش برپایی جامعه ای آزاد و انسانی و مرفه بر ویرانه‌های حکومت اسلامی است. همبستگی عمومی، انسان دوستی، دفاع از حقوق مدرن و پیشرو زنان، مخالفت با تبعیضات طبقاتی و ملی و قومی و مذهبی، دفاع از حقوق کودکان، پایبندی به آزادی‌های وسیع سیاسی، و امثال این‌ها طلیعه امیدبخش جامعه آینده بعد از حکومت ارتجاعی و چپاولگر اسلامی را بازتاب می‌دهد. با این چشم انداز می‌توانیم امیدوار باشیم که سال جدید سال به انتها رسیدن جدال ما مردم با حکومت اسلامی سرمایه داران و برپایی جامعه ای شاد و انسانی و امن خواهد بود.

حکومت منفور و دستگیریهایی گسترده



کازم نیکخواه

دستگیری بیش از دو هزار نفر از مردم طی سه هفته جنگ، وحشت حکومت اسلامی از مردم را به خوبی بازتاب می‌دهد. این حکومت در سطح بین المللی قربانی بحران‌سازی‌های بین المللی‌اش شده و بالاترین و مهم‌ترین و قدیمی‌ترین سران و بنیان‌گزاران و سردارانش را از دست داده است. و اکنون زخم خورده و شکست خورده خود را بیش از پیش با مردم خشمگین و معترضی رو در رو می‌بیند که راهی جز وارد شدن به جنگ نهایی برای خلاص شدن از شر قاتلان کشتار دی‌ماه روبروی خود نمی‌بینند و عزم کرده‌اند که این جانانیان را از سطح جامعه جارو کنند. سازمان حقوق بشر- ایران هفته گذشته اعلام کرد که براساس گزارش‌های متعدد منتشرشده در رسانه‌های حکومتی، دست کم ۲۰۰ نفر از شروع جنگ تا کنون در سراسر کشور بازداشت شده‌اند. این دستگیری‌ها علاوه بر شهروندان عادی شماری از فعالان مدنی و سیاسی و خانواده‌های دادخواه را نیز دربر می‌گیرد.

با توجه به پنهان‌کاری‌های ماهوی حکومت اسلامی و اخباری که از مناطق مختلف در روزهای اخیر منتشر شده است، با اطمینان می‌توان گفت که شمار واقعی دستگیرشدگان طی جنگ جاری اکنون بسیار بیش از این است. حکومت اسلامی طی نزدیک به پنجاه سال، سرکوب مردم در داخل کشور را اغلب با بیرق مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکا پیش می‌برد. مرگ بر اسرائیل و آمریکا، در اساس خود بیش از آنکه هدف خارج مرزی داشته باشد، سلاح و مهمات برای جنگ با مردم سرنگونی طلب در داخل بود. و حکومت از این سلاح برای کشتار مردم بسیار استفاده کرد. با این شعارها در ایران و در سطح کشورهای منطقه برای نیروهای تروریست اسلامی سربازگیری کردند. با این شعارها اوباش حزب اللهی را علیه مردم بسیج کردند. با این شعارها تمام اعتراضات و خواسته‌های بحق مردم را سرکوب کردند. با این شعارها هزاران نفر را دستگیر و روانه سیاه‌چال‌ها کردند. با این شعارها تلاش کردند حق طلبی را در جامعه خفه کنند.

اما طی چند دهه، روند اوضاع تماماً به زیان حکومت اسلامی پیش رفت. مردم در سراسر کشور هرچه بیشتر به صف سرنگونی طلبی پیوستند و با خشم انباشته مردم، جنبش سرنگونی ابعاد سراسری به خود گرفت و شاهد خیزش‌های توده ای سالهای ۹۶، ۹۷، ۹۸ و نهایتاً شاهد انقلاب زن زندگی آزادی، و خیزش ۱۴۰۴ بودیم که صدها شهر را در بر گرفت. همزمان و بر متن این فضای سرنگونی طلبی عمومی، بحران بین المللی جمهوری اسلامی به رودرویی نظامی گسترده تحول پیدا کرد و جنگ دوازده روزه و جنگ ۱۴۰۴ را شاهد بودیم که ضربات مهلکی بر

اساس سوسیالیسم انسان است!

از ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ تا خیزش «زن، زندگی، آزادی»



نسان نودینیان

۱۲ فروردین ۱۳۵۸، روز فراندوم «آری یا نه»، نه آغاز «جمهوریت»، بلکه نقطه آغاز تثبیت شکل تازه‌ای از استبداد بود؛ استبدادی که این بار با نام دین، اما با همان ماهیت سرکوبگر و استثمارگر، به قدرت رسید. خمینی برای تحکیم موقعیت خود، پس از انقلاب مردمی، با برگزاری فراندومی فاقد حداقل‌های یک انتخاب آزاد، کوشید اراده واقعی مردمی را که برای آزادی، برابری و رفاه به میدان آمده بودند، مصادره کند.

در همان ماه‌های نخست، مسیر واقعی این حکومت آشکار شد: فتوای خلع سلاح عمومی، حمله به تشکلهای کارگران، و نهادهای مردمی، نهادهای زنان، و حمله به مراسم روز جهانی زن، و اعلام «غیرشرعی» بودن اعتصابات و اعتراضات، حمله به کردستان، سرکوب خونین نیروهای انقلابی، یورش به دانشگاه‌ها، بستن فضای سیاسی و تحمیل قانون اساسی‌ای که پایه‌های یک حکومت مذهبی استبدادی را تثبیت کرد. آنچه شکل گرفت، نه گسستی از گذشته (دوره پهلوی)، بلکه تداوم و تشدید سنت استبداد بود؛ این بار در قالبی ایدئولوژیک و با ابزارهای گسترده‌تر سرکوب.

امروز، در سال ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی همچنان ادامه همان پروژه است. پروژه‌ای که زیر رهبری خامنه‌ای تداوم یافته است. کارنامه این نظام چیزی جز اعدام، تبعیض جنسیتی، فقر گسترده، فساد ساختاری و تعمیق شکاف‌های طبقاتی نیست. از سرکوب‌های دهه ۶۰ تا جنایات سال‌های اخیر، از جمله وقایع خونین دی‌ماه ۱۴۰۴، همگی نشان‌دهنده تداوم همان منطق حکمرانی‌اند: بقا به هر قیمت، حتی به بهای جان هزاران انسان.

در عرصه بین‌المللی نیز، سیاست‌های تقابل‌جویانه و جنگ‌افروزان، همراه با شکل‌دهی به نیروهای نیابتی در منطقه، کشور را در معرض تنش‌ها و درگیری‌های ویرانگر قرار داده است. تقابل با قدرت‌هایی چون ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای منطقه، هزینه‌هایی سنگین بر مردم تحمیل کرده است: از تخریب زیرساخت‌ها و بحران معیشت تا ناامنی و آوارگی.

با این حال، تفاوت تعیین‌کننده امروز با ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ در سطح آگاهی و تجربه جامعه است.

اگر در آن زمان بخش‌هایی از جامعه، به دلیل فقدان شناخت و تحت تأثیر وعده‌ها، به این فراندوم تن دادند، امروز جامعه ایران با تجربه‌ای عینی از ماهیت این نظام، دیگر کسی از مردم دچار آن توهم نیست.

خیزش «زن، زندگی، آزادی» نقطه عطف این تحول است. جنبشی که نه تنها جمهوری اسلامی را به عنوان یک حکومت تماماً ضد مردمی به چالش کشید، بلکه نشان داد پایه‌های اجتماعی این نظام به شدت فرسوده شده است. این خیزش، همراه با اعتصابات، اعتراضات کارگری، مبارزات زنان و جوانان، و نارضایتی عمیق اقتصادی، بیانگر ورود جامعه به مرحله‌ای تازه از تقابل با حاکمیت است.

امروز جمهوری اسلامی در موقعیتی شکننده قرار دارد: از یک سو بحران‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی، و از سوی دیگر انزوای بین‌المللی و شکاف درونی در ساختار قدرت.

برخلاف سال ۵۸ که حکومت در مسیر تثبیت خود بود، اکنون با روندی معکوس روبه‌رو هستیم: فرسایش، بی‌اعتباری و از دست دادن کنترل اجتماعی.

۱۲ فروردین ۱۳۵۸ نماد فریب و تحمیل بود. اما فروردین ۱۴۰۴ می‌تواند نماد آگاهی، مقاومت و پایان این چرخه باشد. جامعه‌ای که یکبار تجربه کرده، این بار با شناخت، سازمان‌یافتگی و اراده‌ای روشن‌تر به میدان آمده است.

سخنی کوتاه با مردم کردستان

۱۲ فروردین ۱۳۵۸ در کردستان، روز «نه» بزرگ شما مردم مبارز به خمینی و جمهوری اسلامی بود؛ «نه‌ای که در حافظه اجتماعی و مبارزاتی مردم کردستان ثبت شده است. این ایستادگی، تنها یک موضع‌گیری سیاسی نبود، بلکه به دوره‌ای از سازمان‌یابی گسترده و تجربه‌ای کم‌نظیر از قدرت مردمی انجامید.

در فاصله‌ای نزدیک به دو سال، با ایجاد سازمان‌ها و نهادهای محلی، تشکلهای مردمی، شبکه‌های محلات مقاومت و امدادسانی، و با اتکا به سازماندهی توده‌ای، اشکالی از خودمدرییتی و اداره جمعی در شهرها شکل گرفت. سازماندهی زنان، جوانان، دهقانان و شوراهای مردمی، همراه با برگزاری همایش‌ها و مشارکت گسترده اجتماعی، تجربه‌ای پر افتخار از دفاع از دستاوردهای سوسیالیستی و اجتماعی و تلاش برای رفع ستم ملی را رقم زد.

مردم مبارز!

امروز جامعه در آستانه تغییرات عمیق و سرنوشت‌ساز قرار دارد. برای تضمین نقش‌آفرینی شما توده‌های مردم در آینده، ضروری است سازمان‌های مستقل و قدرتمند خود را بیش از پیش تقویت و گسترش دهیم. از «نه» بزرگ ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ تا خیزش‌های سراسری دی‌ماه ۹۸، خیزش ۱۴۰۱ «زن، زندگی، آزادی» و اعتراضات گسترده دی‌ماه ۱۴۰۴، روندی شکل گرفته که جامعه را به سوی دگرگونی بنیادین سوق می‌دهد.

با اتکا به یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این دوره یعنی گسترش جنبش «زن، زندگی، آزادی» و «افق‌های ترسیم‌شده برای گذار و آینده می‌توان گام‌های مؤثرتری در جهت سازمان‌یابی، همبستگی و تحقق اراده جمعی برداشت.

۲۵ مارس ۲۰۲۶

۵ فروردین ۱۴۰۵

زنده باد سوسیالیسم!

جنگ و فرصت‌های تاریخی



سینا پدرام

کمک‌های محتمل از سوی روسیه و چین، اختلافات فاحش استراتژیک مابین آمریکا و اسرائیل قطعاً عواملی بودند که نتیجه این جنگ را تاکنون رقم زده اند.

در سطح جامعه نیز، واکنش‌ها قابل پیش‌بینی کامل نیستند. یک رویداد می‌تواند به انفجار اجتماعی منجر شود یا به سکوتی سنگین. در ایران امروز، و به‌ویژه در پایان جنگ ظرفیت خیزش‌هایی وجود دارد که از دل فرسایش و خستگی جنگ می‌توانند بروز پیدا کنند. در چنین شرایطی، جنگ می‌تواند به‌عنوان عاملی عمل کند که این روندها را یا تشدید می‌کند یا به تعویق می‌اندازد.

جنگ، به‌طور کلی، عرصه‌ای است که در آن تصادف و ضرورت به‌شدت در هم تنیده‌اند. در میدان نبرد، جزئیات کوچک می‌توانند نتایج بزرگی رقم بزنند، اما در سطح کلان، مسیر جنگ‌ها توسط نیروهای عمیق‌تری تعیین می‌شود. در مورد جنگ آمریکا و ایران نیز، این دو سطح به‌طور همزمان عمل می‌کنند: ساختارهای ژئوپولیتیک از یک سو، و رخداد‌های پیش‌بینی‌ناپذیر از سوی دیگر.

گسترش این جنگ از منطقه ایران به کشورهای عربی و کل خاورمیانه یک عامل غیر پیش‌بینی نبود. اما بازی با کارت تنگه هرمز قطعاً نتایج و تبعات جنگ را در بعد جهانی در مقابل شهروندان تمامی کشورهایی قرار داد که به نحوی به عبور کشتی‌های نفت کش از این تنگه وابسته بودند.

فشار و عواقب اقتصادی که این جنگ می‌تواند در تلاطمات سیاسی آتی کشورهای وابسته به نفت خاورمیانه بگذارد، نه تنها قابل پیش‌بینی نیست بلکه مورد تشویش بسیاری دولتمردان این کشورها شده است. شورش گرسنگان در ادامه این جنگ در ابعاد جهانی می‌تواند یکی از معضلات اصلی بسیاری از کشورها باشد.

از سوی دیگر، با تن ندادن رژیم اسلامی به شرایط ترامپ، محتملاً ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا به تاکتیک تهاجم زمینی و اشغال بخش‌های جنوبی ایران سوق پیدا خواهند کرد و یا با شرایط دیگری که منتج به یک رژیم رام شود خود را پیروز جنگ اعلام خواهند کرد.

واقعیت این است که برای سپاه پاسداران و سران باقیمانده رژیم اسلامی، شاید تعرض زمینی آمریکا به همراه یک ائتلاف جدید با کشورهای عربی منطقه و ناتو بار دیگر به یک معضل موجودیتی تبدیل شود و به اقدامات بسیار غیر قابل پیش‌بینی برای طولانی‌تر کردن جنگ دست بیازند. در عین حال بسیار روشن است که جنگ طولانی مدت به هیچ وجه مطلوب ترامپ و جریان ماگ نیست.

پرسش اساسی این است که این جنگ چه تأثیری بر آینده ایران خواهد داشت. آیا به تثبیت وضعیت موجود می‌انجامد یا به تغییرات عمیق‌تر؟ پاسخ به این پرسش به ترکیبی از عوامل بستگی دارد: واکنش جامعه، شرایط اقتصادی، و نحوه مدیریت بحران.

در این میان، حافظه جمعی نقش مهمی ایفا می‌کند. خیزش‌ها و سرکوب‌ها، حتی پس از پایان ظاهری‌شان، در ذهن جامعه باقی می‌مانند و در لحظات بحرانی دوباره فعال می‌شوند. این حافظه، بخشی از همان روندی است که گذشته را به حال و آینده پیوند می‌دهد.

در نهایت، تصادف را باید به‌عنوان بخشی از خود تاریخ فهمید، نه چیزی بیرون از آن. تصادف‌ها همان لحظاتی هستند که در آن‌ها امکان‌های مختلف با هم برخورد می‌کنند و یکی از آن‌ها تحقق می‌یابد. این تحقق، اگرچه در لحظه‌ای خاص و به‌دلیل عواملی پیش‌بینی‌ناپذیر رخ می‌دهد، اما در چارچوبی وسیع‌تر به روندهای عمیق‌تر وابسته است.

در ایران امروز، این لحظه برخورد امکان‌ها همچنان ادامه دارد. جنگ، سرکوب، و مقاومت، همگی در کنار هم آینده‌ای گشوده را شکل داده‌اند. هیچ نتیجه‌ای از پیش قطعی نیست، اما هیچ‌چیز نیز کاملاً تصادفی نیست. آنچه تعیین‌کننده خواهد بود، همین جزئیات به‌ظاهر کوچک است—تصمیم‌ها، لحظه‌ها، و انتخاب‌هایی که می‌توانند مسیر تاریخ را تغییر دهند.

و شاید امید نیز دقیقاً در همین جا نهفته باشد: در این واقعیت که حتی در دل ضرورت‌های سخت، هنوز امکان وجود دارد—امکانی که می‌تواند در قالب یک «تصادف» ظاهر شود و مسیر آینده را دگرگون کند.

اگر مبارزه فقط به شرط وجود فرصت‌های مطلوب و بی‌عیب و نقص انجام می‌شد، تاریخ جهان واقعاً بسیار آسان می‌بود. از سوی دیگر، اگر «تصادفات» نقشی نداشتند، ماهیتی بسیار رازآلود پیدا می‌کرد. خود این حوادث به‌طور طبیعی در مسیر کلی تکوین قرار می‌گیرند و دوباره توسط حوادث دیگر جبران می‌شوند. اما شتاب و تأخیر بسیار به آن‌گونه «تصادفاتی» وابسته هستند، که شامل «تصادف» شخصیت کسانی است که در ابتدا در رأس جنبش قرار دارند. «کارل مارکس، بخشی از نامه به کوگلمان» ۱۸۷۱

در دل هر لحظه تاریخی، نیروی پنهان وجود دارد که نه کاملاً قابل پیش‌بینی است و نه کاملاً بی‌قاعده؛ همان چیزی که ما آن را «تصادف» می‌نامیم، اما در واقع در تار و پود ضرورت‌های عمیق‌تر تنیده شده است. تصادف، بیش از آنکه انحرافی از مسیر تاریخ باشد، نقطه تلاقی نیروهایی است که در زمان‌های مختلف شکل گرفته‌اند و ناگهان در یک لحظه سرنوشت‌ساز به هم می‌رسند. اکنون، در میانه جنگی که میان ایالات متحده آمریکا و اسرائیل و رژیم اسلامی ایران شعله‌ور شده، این پرسش بار دیگر برجسته می‌شود: آیا این جنگ یک رخداد تصادفی است، یا نتیجه اجتناب‌ناپذیر روندی طولانی؟ تصادفات در این رخداد چه نقشی داشته‌اند و چه جایگاهی خواهند داشت؟

در عین حال، نگاه ساده‌انگارانه و با حجم زیادی از تفکرات به غایت ضد آمریکایی ابوزیسیون چپ رژیم، تصویر منفعلانه‌ای از جامعه ایران در قبال طرفین این مخاصمه به دست می‌دهد. محکوم کردن بی‌قید و شرط جنگ توسط این بخش نشان از این واقعیت داشت که مبارزه اجتماعی در نزد این تحلیلگران "فقط به شرط وجود فرصت‌های مطلوب و بی‌عیب و نقص انجام می‌شود."

اما برای پاسخ به سوال بالا باید به عقب بازگردیم؛ به خیزش «زن، زندگی، آزادی» که خود انفجاری از انباشت نارضایتی‌های تاریخی بود. این خیزش، اگرچه با جرقه‌ای مشخص آغاز شد، اما ریشه در لایه‌های عمیق جامعه داشت. با این حال، حتی در آن نیز عناصر تصادفی نقش داشتند: زمان‌بندی اعتراضات، گسترش شعارها، و شکل‌گیری نمادها. این عوامل، اگرچه به‌ظاهر جزئی بودند، اما در شتاب گرفتن یا کندشدن روند جنبش تأثیر گذاشتند.

در ادامه، کشتارهای ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ به‌عنوان لحظه‌ای تعیین‌کننده ظاهر شدند. این رخدادها از یک سو ادامه منطقه‌ای سیاست‌های سرکوبگرانه بودند، و از سوی دیگر، در شکل و زمان وقوع خود حامل عناصری پیش‌بینی‌ناپذیر بودند. آنچه در این میان اهمیت دارد، تأثیر این رخدادها بر روان جمعی جامعه است؛ جایی که ترس، خشم و آگاهی در هم آمیختند و وضعیتی را پدید آوردند که دیگر بازگشتی به گذشته در آن ممکن نبود.

در چنین بستری، جنگ کنونی را نمی‌توان رخدادی مستقل دانست. این جنگ ادامه سیاست‌های منطقه‌ای، تنش‌های انباشته، و تضادهای ساختاری است که سال‌ها شکل گرفته‌اند. با این حال، لحظه آغاز آن و چگونگی بروز آن، همچنان به عواملی وابسته است که می‌توان آن‌ها را «تصادفی» نامید—از اشتباهات محاسباتی گرفته تا رخداد‌های ناگهانی.

اشتباهات محاسبه بخشی از هیئت حاکمه آمریکا، دست کم گرفتن توان نظامی رژیم و عقیم ماندن سیاست ونزوئلای کردن جمهوری اسلامی و

تداوم کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" علیرغم شرایط جنگی

میناب که در جریان حمله آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی جان خود را از دست دادند، توسط خانواده‌های دادخواه آنان بود. شمار زیادی از مردم در این مراسم تجمع کردند و یاد غنچه‌های ناشکفته را گرامی داشتند.

مردم در آستانه سال جدید با دیدارهای همبستگی با خانواده‌های جانبختگان و زندانیان سیاسی به استقبال سال ۱۴۰۵ رفتند.

پنجشنبه‌های آخر سال روز مهمی از همبستگی مردمی است. هر سال در پنجشنبه‌های آخر سال خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل زندان سفره هفت سین پهن میکنند و خانواده‌های دادخواه بر مزار عزیزان جانباخته خود که بدست حکومت جنایتکار اسلامی به قتل رسیده‌اند، جمع میشوند و این اعتراض و این همبستگی به سنتی تبدیل شده است. امسال نیز در پنجشنبه ۲۸ اسفند مادران دادخواه خاوران به گورستان خاوران رفتند و علیرغم اینکه نیروهای سرکوب اجازه ورود آنها را ندادند، اما با حضورشان پیام ایستادگی دادند. در این روز در تهران نیز جمعیتی از مردم بر مزار علی بیات از جانبختگان دیماه جمع شدند و با پخش موزیک استقامت و اعتراض خود را فریاد زدند. در همین روز خانواده و دوستان سپهر شکری یکی دیگر از جانبختگان دیماه بر مزار عزیزشان جمع شدند و یاد این عزیز را گرامی داشتند.

جمهوری اسلامی ضربات سیاسی سنگینی هم از مردم و هم در جنگ آمریکا و اسرائیل با از دست دادن خامنه‌ای و سران بالای خود و ضربات سنگینی که بر تجهیزات نظامی اش وارد شده، شکست سیاسی سنگینی خورده است. پیام نوروز امسال مردم به حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی پیام استقامت و آزادی است. مردم با خود سازماندهی شان در گروه‌های همیاری، با فریاد رسای دادخواهی خود و با ایستادن علیه اعدام و زندان عزم خود را برای پایان دادن به عمر این حکومت مرگ و نکبت اعلام میکنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ اسفند ۱۴۰۴، ۲۴ مارس ۲۰۲۶

گرامیداشت یاد عزیزان جان باختة در گوشه و کنار کشور امروز چهارم فروردین ماه صد و سیزدهمین هفته کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام علیرغم فضای جنگی در ۵۶ زندان کشور جریان یافت. سه‌شنبه‌های نه به اعدام بعنوان یک سنگر مهم اعتراض علیه اعدام‌ها در تمام این هفته‌های اضطراب و جنگ تداوم داشته است. در بیانیه هفتگی این کارزار ضمن تبریک نوروز ۱۴۰۵ و با اشاره به اعدام بالغ بر ۲۶۵۰ تن از زندانیان در سال گذشته که سه تن آنها به اسامی مهدی قاسمی، سعید داوودی و صالح محمدی در همین نوروز در شهر قم و یک نفر هم به اسم کورش کیوانی در زندان مرکزی کرج اعدام شدند، بر فشار آوردن جهانی بر حکومت جمهوری اسلامی برای توقف اعدام‌ها تاکید شده است. در این بیانیه ضمن اشاره به آزار و شکنجه زندانیان از جمله زخمی شدن دهها زندانی و کشته شدن شماری از زندانیان در زندان چابهار هنگام اعتراض به نبود غذا و مشکلات درمانی، بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی که جانشان در خطر است تاکید شده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "از تمامی افراد، نهادهای صنفی معلمان، بازنشستگان، کارگران و خانواده محکومان به اعدام و همچنین رسانه‌های مستقل و تمامی کسانی که صدای محکومان به اعدام بودند کمال تشکر و قدردانی را داریم و امیدواریم سال ۱۴۰۵ سال آزادی ایران، ایران بدون شکنجه و اعدام باشد."

گرامیداشت یاد جانبختگان دیماه خونین توسط خانواده‌ها با حضور مردم بویژه در پنجشنبه آخر سال به سنت هر سال، خبر مهم دیگر این روزها بود که نمادی از دادخواهی جمعیت نود میلیونی مردم ایران علیه کشتار و جنابات جمهوری اسلامی است. از جمله روز سوم فروردین در آبدانان خانواده دادخواه علیرضا صیدی نوجوانی که در دیماه به قتل رسید در همراهی با مردم بر مزار عزیزشان حضور یافتند و با پخش موزیک فریاد خشم و اعتراضشان را بلند کرده و مراسم سال تحویل را برپا کردند. علیرضا صیدی، نوجوان ۱۶ ساله اهل آبدانان، روز ۱۸ دی‌ماه در تهران توسط ماموران سرکوبگر هدف شلیک قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

روز شنبه یکم فروردین خانواده و شماری از مردم با افروختن آتش سفره نوروز را بر مزار ماهان رستمی یکی دیگر از جانبختگان دیماه پهن کردند و یاد وی را گرامی داشتند.

روز پنجشنبه ۲۸ اسفند صالح محمدی کشتی‌گیر ۱۹ ساله از بازداشتی‌های معترض دیماه خونین توسط حکومت آدمخوار جمهوری اسلامی به دار آویخته شد و در گرامیداشت او جمعیت بزرگی از مردم و نزدیکان وی در قم بر مزارش جمع شدند و با موزیک و کف زدن یاد او را گرامیداشتند.

صالح تنها یک هفته پس از تولد ۱۹ سالگی‌اش اعدام شد. او از ورزشکاران جوان و آینده دار کشتی بود و آرزو داشت روزی در المپیک به میدان برود. به گفته نزدیکانش زندگی وی سرشار از انگیزه، هدف و امید بود. صالح محمدی در دادگاه اتهام منتسب به خود را رد کرده و اعلام کرده بود اعترافات ارائه‌شده تحت فشار اخذ شده است.

-در کرمان نیز در این ایام نوروزی جمعیت بزرگی از مردم دادخواه داشتند. یک صحنه باشکوه در این مراسم اعلام تشکیل گروه همیاری و کمک به یکدیگر در این شرایط جنگی بود.

مراسم دیگر در این روزها مراسم گرامیداشت یاد کودکان جانباخته در

از طریق QR Code زیر می‌توانید به حزب کمونیست
کارگری کمک مالی کنید!



باید از هر طریق ممکن به قطع اینترنت، این وسیله سرکوب جمهوری اسلامی اعتراض کرد. با اتکا به افکار عمومی مترقی در سطح جهان خواستار پس گرفتن این حق مسلم و پایه ای مردم در ایران شد. در عین حال باید شبکه‌های خبررسانی را در هر شهر و محله‌ای سازمان داد. روایت واقعی جنگ را باید خود مردم به هر شکل که می‌توانند به همه رسانه‌هایی که صدای واقعی مردم‌اند برسانند. این نیز عرصه‌ای از سازمانیابی مردم است.

#اینترنت_حق_ماست

#زن_زندگی_آزادی

#جمهوری_اسلامی_نابود_باید_گردد

#زندانی_سیاسی_آزاد_باید_گردد

#جمهوری_شورایی

برگرفته از مدیای حزب کمونیست کارگری ایران

تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی و بازداشتی‌ها را باید

هر چه بیشتر گسترش داد

جمهوری اسلامی در طول ۲۵ روز گذشته حداقل ۲۰۰۰ نفر را دستگیر کرده و زندانیان را بعنوان سپر انسانی در مراکز ناامن نگهداشته است.

سازمان حقوق بشر ایران می‌گوید براساس گزارش‌های متعدد منتشرشده در رسانه‌های حکومتی، دست کم ۲۰۰۰ نفر از شروع جنگ تا کنون در سراسر کشور بازداشت شده‌اند. این دستگیری‌ها علاوه بر شهروندان عادی شماری از فعالان مدنی و سیاسی و خانواده‌های دادخواه را نیز دربر می‌گیرد.

بسیاری از این بازداشت‌ها بدون اعلام اسامی متهمان و در برخی موارد با خشونت، تفتیش منزل یا انتقال به مکان نامعلوم همراه بوده است.

اتهام افراد بازداشتی بر اساس آنچه تاکنون نهادهای قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی منتشر کرده‌اند، عبارتند از: همکاری و جاسوسی برای اسرائیل و آمریکا، تصویربرداری از مراکز حساس کشور و ارسال آنها به اسرائیل و آمریکا، ارتباط با رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور، نگهداری تجهیزات و گیرنده‌های اینترنت ماهواره‌ای استارلینک و در مواردی تلاش برای راه اندازی تجمعات ضدحکومتی و درگیری مسلحانه با ماموران جمهوری اسلامی، اقدام به تشویش اذهان عمومی، ایجاد اضطراب و ناامنی در جامعه، اخلاف در امنیت در فضای مجازی.

همزمان، دست کم ۳۸ فعال مدنی و سیاسی، اعضای خانواده فعالان سیاسی و دادخواهان بازداشت شده‌اند. قطعی سراسری اینترنت از زمان آغاز جنگ و محدود شدن دسترسی به اطلاعات، خانواده و نزدیکان بازداشت‌شدگان، باعث شده است انتشار خبر شماری از این بازداشت‌ها با تأخیر همراه باشد.

برگرفته از مدیای حزب کمونیست کارگری ایران

قطع اینترنت، ابزار سرکوب رژیم

امروز سوم فروردین ۱۴۰۵، قطع اینترنت توسط جمهوری اسلامی وارد بیست و چهارمین روز خود میشود. قطع اینترنت تنها یک اختلال تکنیکی و فنی نیست، بلکه یک ابزار سیاسی کنترل جامعه است که مجموعه ای از پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی انسانی به دنبال دارد.

اهداف اصلی رژیم از قطع اینترنت در ایران جلوگیری از دسترسی مردم به منابع خبری مستقل و بین‌المللی، ایجاد محدودیت و جلوگیری از ارتباط و هماهنگی بین مردم و فعالین سیاسی و مدنی و احزاب سیاسی مخالف رژیم و غیرفعال کردن شبکه‌های اجتماعی بعنوان ابزار مهم و تعیین کننده برای هماهنگی اعتراضات و تجمعات است.

علاوه بر اینها رژیم با قطع اینترنت تنها روایت‌های جعلی خود را چه در سطح داخلی و چه در سطح جهانی منتشر کرده و از اطلاع رسانی و انتشار اخبار واقعی جلوگیری می‌کند. تلاش رژیم در به انحصار در آوردن رسانه‌ها و خبر، علاوه بر دادن تصویری دروغین به خارج از ایران، مهندسی و هدایت افکار در داخل نیز هست، هرچند که بدلیل بی اعتمادی عمیق مردم این تلاشها دیگر اثر ندارد.

در نبود اینترنت امکان ابراز نظر و اعتراض در شبکه‌های اجتماعی با هدف خاموش کردن صداها، از مردم گرفته شده است. در این میان یک حق پایه ای، حق دسترسی شهروندان به اطلاعات نیز نقض شده است.

قطع اینترنت پیامدها و آسیبهای اقتصادی و معیشتی برای مردم نیز دارد. بسیاری از مشاغل منجمله فروشگاههای آنلاین، شرکتهای خدماتی، تاکسی‌های اینترنتی و بعضی وبلاگها با قطع اینترنت منبع درآمدشان را کاملاً از دست داده اند که به بیکار شدن افراد زیادی در این مجموعه ها منجر شده است.

در زمینه سلامت و درمان نیز قطع اینترنت پیامدهای منفی آشکاری دارد. از جمله مشاوره‌های آنلاین و دسترسی به اطلاعات پزشکی مختل شده است. به آموزش نیز صدمات جدی خورده و علاوه بر محرومیت دانشجو و دانش آموز از منابع آموزشی آنلاین، برگزارکنندگان کلاسهای تدریس آنلاین در زمینه‌های مختلف را بیکار کرده است.

به تمامی این پیامدها باید پیامد منفی انسانی را نیز اضافه کرد. بی خبری و یا محدودیت در داشتن خبر و ارتباط عادی مابین افراد خانواده و دوستان و آشنایان منجر به ایجاد اضطراب و فشارهای روانی میشود.

رژیم در عین حال تمام تلاشش را برای از بین بردن همان دسترسی محدودی که بعضاً به استارلینک وجود دارد بکار میبرد و این در حالیکه سران و خودیهایشان به اینترنت بین المللی دسترسی دارند.

قطع اینترنت توسط جمهوری اسلامی در یک کلام کمک به امر سرکوب است. سرکوب مردمی که از برآمد اعتراضشان وحشت دارد.

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

در محکومیت سربازگیری حکومت کودک کش از کودکان و نوجوانان

توفیق پیرخضری، چهره محبوب سوسیالیست و آزادی خواه، درگذشت
یادش گرمی باد

با اندوهی عمیق و قلبی سرشار از تأسف، خبر درگذشت رفیق عزیز توفیق پیرخضری که از سوی خانواده اش اعلام شد، ما را در سوگی سنگین فرو برد. روز دوشنبه ۲۳ مارس ۲۰۲۶، این مبارز شریف، انسان دوست و کمونیست وفادار چشم از جهان فرو بست و جامعه ای از دوستان، یاران و آزادی خواهان را داغدار کرد.

درگذشت توفیق عزیز، نه تنها خانواده و نزدیکانش، بلکه بسیاری از مردم کردستان، به ویژه سنندج، و همچنین همزمان و فعالین سیاسی او در خارج از کشور، خصوصاً در سوئد، را در اندوهی عمیق فرو برده است. او انسانی پیشرو، صمیمی و دوست داشتنی بود که حضورش برای بسیاری الهام بخش و مایه امید بود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، یاد این رفیق گرانقدر را گرمی می دارد؛ چهره ای شناخته شده و محبوب در جنبش کمونیستی، به ویژه در کردستان، که بیش از چهار دهه از زندگی پر بار خود را صادقانه و خستگی ناپذیر در راه آرمان های انسانی وقف کرد. از فعالیت های ایش به عنوان معلم آگاه و کمونیستی جوان در انقلاب ۵۷، و نقش آفرینی در شوراهای «جمعیت آزادی و انقلاب» از حضور در بنک های سنندج، تا پیوستن به کومه له به عنوان یکی از کادرهای اولیه و تأثیرگذار آن؛ و سپس ادامه مبارزه در تبعید، در سوئد، در چارچوب جنبش کمونیسم کارگری تا سال ۱۳۸۶، و بعدتر به عنوان فعال مستقل همه و همه گواه «شورای چپ و کمونیست های کردستان» و نهایتاً در تعهد عمیق او به آرمان آزادی، برابری و ساختن جامعه ای انسانی و سوسیالیستی است.

زندگی توفیق پیرخضری، زندگی مبارزه، صداقت و وفاداری بود. او تا واپسین لحظات عمر، سربلند و استوار در این مسیر گام برداشت و نامش در حافظه مبارزات انسانی ماندگار خواهد ماند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، درگذشت این رفیق عزیز را صمیمانه به خانواده گرمی اش به ویژه، خواهر گرمی رابعه خانم و برادرانش، اشرف، عبید و بختیار و به همه همزمان، کارگران، و مردم آزادی خواه سنندج و کردستان تسلیت می گوید.

بی تردید جای توفیق پیرخضری در صفوف مبارزه برای دستیابی به زندگی ای شایسته انسان، همواره خالی خواهد بود، اما یاد و راهش چراغی خواهد ماند در مسیر این مبارزه.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ مارس ۲۰۲۶

۴ رورودین ۱۴۰۵

رحیم نادعلی، معاون فرهنگی سپاه محمد رسول الله تهران روز پنجشنبه ۶ فروردین ماه در گفتگو با صدا و سیما رژیم خبر داد که جمهوری اسلامی قصد دارد در طرحی تحت عنوان «رزمندگان مدافع وطن برای ایران» سن سربازگیری را به ۱۲ سال کاهش دهد و به صورت رسمی و علنی از کودکان سربازها استفاده کند.

بر اساس این طرح قرار است در دل شرایط جنگی جاری از کودکان در چنین اقداماتی استفاده شود: حضور در ایست های بازرسی، گشت های عملیاتی و اطلاعاتی، کاروان های خودروپی، تدارکات و خدمات مربوط به غذا و انبارها، رسیدگی به مناطق آسیب دیده، امدادگری و کمک های اولیه.

این اقدام، نقض فاحش حقوق کودکان در بالاترین سطح آن است؛ سوءاستفاده از کودکان به عنوان سرباز آن هم در میانه جنگی که برتری نظامی کاملاً با حریف حکومت است و هر درجه استفاده از کودکان، معنایی جز فرستادن آنها به قتلگاه ندارد.

گرچه حکومت اسلامی همواره از کودکان در جریان پروژه های سیاسی، امنیتی و سرکوب خود استفاده کرده، اما وارد کردن کودکان ۱۲ ساله به میدان واقعی جنگ با سلاح های ویرانگر، سطح کاملاً متفاوتی از نقض حقوق کودکان است که شاید تنها با سربازگیری رژیم از کودکان در جریان جنگ هشت ساله با عراق قابل قیاس باشد که هزاران کودک و نوجوان را در جبهه های جنگ به کشتن داد.

سربازگیری از کودکان توسط جمهوری اسلامی قویاً محکوم است و باید مورد اعتراض کل جامعه، سازمان ها و نهادهای بین المللی و دولت ها قرار گیرد. نباید اجازه داد حکومتی که قاتل کودکان معترض در کف خیابان ها است، با مغزشویی و اعمال سیاست های ضد انسانی، کودکان دیگری را در راستای آتش افروزی هایش در منطقه به کام مرگ بفرستند.

این اقدام از یک سو نقض آشکار پیمان نامه بین المللی برای منع استفاده از کودکان زیر ۱۸ سال در فعالیت های نظامی و شبه نظامی است؛ و از سوی دیگر تلاشی است برای ساختن سپری انسانی از کودکان در جنگی که بازنده نظامی آن به طور قطع جمهوری اسلامی خواهد بود.

#اعتصامات_سراسری

#اعتراضات_سراسری

#زن_زندگی_آزادی

#مهسا_امینی

برگرفته از مدیای سازمان جوانان کمونیست

کمپین مالی حزب

(۱۶ فوریه - ۲۷ مارس ۲۰۲۶)

سوئد:

Sweden

NordeaPlusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

کمک خود را همچنین میتوانید از طریق پی پل پرداخت کنید:

Donate (paypal.com) یورو

Donate (paypal.com) دلار

سوالی دارید میتوانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج: سیامک بهاری 0046739868051

از آمریکای شمالی: بابک یزدی 0014164717138

تماس از ایران: شهلا دانشفر: 0044743556246

برای کمک از طریق پی پل می‌توانید از QR Code هم استفاده کنید:



در پاسخ به کمپین مالی حزب که از ۱۶ فوریه شروع شد، مبلغ ۱۵۴۶۳۰ دلار جمع‌آوری شده است. هدف این کمپین جمع‌آوری حداقل ۱۵۰ هزار دلار اعلام شده بود و با تعهد کمک ۲۰ هزار دلاری رفقای حزب در آمریکای شمالی کمپین به هدف اعلام شده خود رسید. از کلیه عزیزانی که با کمک شخصی خود و یا تلاش برای جمع‌آوری کمک از اطرافیان خود موفقیت این کمپین را تضمین کردند صمیمانه قدردانی میکنیم.

واقعیت این است که نیاز مالی حزب بسیار بیشتر از این مبلغ است و ما مطمئنیم که افرادی که بالقوه می‌توانند به حزب کمک کنند بسیار بیشتر از دوستانی است که ما سراغشان رفته‌ایم. این کمپین معین اینجا پایان می‌یابد اما ما در طول سال همچنان سراغ دوستان بیشتری خواهیم رفت و امیدواریم بتوانیم کمک‌های بسیار بیشتری دریافت کنیم تا فعالیت‌های خود را در داخل و خارج کشور گسترش دهیم.

ما همچنان دست یاری به سوی همه مردم شریف و آزاده، کلیه فعالینی که در داخل و خارج کشور به امر متحد و متشکل کردن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی مشغولند، کلیه مردمی که با حزب کمونیست کارگری و فعالیت‌ها و سیاست‌هایش آشنایی دارند و آنرا نیروی موثر و مثبتی در امر رهایی می‌شناسند دراز می‌کنیم تا در کنار هم و با قدرتی بیشتر این مبارزه را به سرانجام برسانیم.

۷ فروردین ۱۴۰۵، ۲۷ مارس ۲۰۲۶

لیست شماره ۶

هیوا اسماعیلی ۵۰۰ کرون

نسرین نامدارپور ۱۰۰۰ کرون

کمک به مدیای حزب ۹۵۰۰ یورو

پتی دبونیتاس و کیوان جاوید ۱۰۰۰ پوند

فعالین حزب در آمریکای شمالی ۲۰۰۰ دلار آمریکا

عطیه نیک‌نفس ۲۰ یورو

شادی بهار ۳۰۰ کرون

گلشن ۳۰۰ کرون

هادی سیاهپوش ۱۰۰۰ کرون

مریم و امید ۱۵۰ دلار آمریکا

جمع لیست ششم ۳۴۰۰۰ دلار آمریکا

جمع کمک تا کنونی ۱۵۴۶۳۰ دلار آمریکا

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق شماره حساب‌های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید:

شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدیر: سیاوش آذری

ادیتور: کاظم نیک خواه

مسئول فنی: بابک یزدی



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور

دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس

بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL JADID
کانال جدید